

بررسی و تبیین واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی توسط قوام (سال ۱۳۲۵)

علی رحمن پور

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمدحسن رازنهان (نویسنده مسؤل)

دانشیار دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

رضا شعبانی

استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۸ شماره ۶۸ - صفحه ۲۸۲-۲۶۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۴ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱/۳۱

چکیده

جایگاه و موقعیت استراتژیک ایران به سبب وجود چاه‌های نفت در شمال و جنوب ایران و اهمیت بالای آن در عرصه‌ی جهانی همواره این کشور را مورد طمع استعمارگران قرار داده است. پس از پایان جنگ جهانی دوم، انگلستان نیروهای خود را از ایران خارج کرد ولی شوروی به بهانه‌هایی در پی کسب امتیاز بود. در این زمان بود که نقش قوام به عنوان نخست‌وزیر ایران که رابطه نسبتاً خوبی با شوروی داشت در تخلیه قوای شوروی به چشم خورد. سؤال اصلی این است که نقش قوام‌السلطنه در واگذاری امتیاز نفت شمال چه بود و چه هدفی داشت؟ سیاست قوام در این موضوع بسیار پیچیده بود، چرا که وی می‌بایست هم به عنوان نخست‌وزیر، حافظ منافع ایران باشد و از سویی دیگر منافع شوروی که از او حمایت کرده بود را باید حفظ می‌کرد. این مقاله با هدف بررسی روابط ایران و شوروی در این دوره و چرایی واگذاری نفت شمال به شوروی توسط قوام، سعی کرده است تا چگونگی مذاکرات و حل مسئله تخلیه نیروهای شوروی از خاک ایران را بررسی کند. روش تحقیق نیز کیفی و به صورت کتابخانه‌ای است و به روش تاریخی به توصیف و تحلیل وقایع پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ این اقدام قوام را می‌توان از مهمترین عوامل خروج نیروهای شوروی از ایران ارزیابی کرد.

کلمات کلیدی: نفت شمال، قوام‌السلطنه، شوروی، استعمار

مقدمه

منابع عظیم و ثروت‌های خدادادی باعث شده است که در دو قرن اخیر ایران مورد طمع بسیاری از استعمارگران باشد و تاریخ ایران شاهد رقابت‌های آشکار و نهان قدرت‌هایی نظیر شوروی و بریتانیا و بعدها امریکا باشد. در یکصد سال اخیر، نفت مهمترین عامل مؤثر بر کمیت و کیفیت حیات اقتصادی ایران بوده است. صنایع نفت و درآمدهای دولت از فروش نفت به آن درجه از اهمیت رسید که هیچ تحول صنعتی بدون توجه به این عامل امکان‌پذیر نبود. در واقع نفت متغیر مستقل و اصلی کل بافت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران عصر پهلوی و تأثیرگذارترین عامل در روابط خارجی بود. سهم نفت در برنامه‌ریزی عمرانی کشور، در تأمین ثبات سیاسی، در بقای نظام سیاسی و در تحکیم وابستگی به هیچ وجه با عوامل دیگر قابل مقایسه نیست. درآمدهای نفتی و بر خوردهای از حمایت دریافت کنندگان اصلی نفت از دولت به وراطبقاتی و وراقانونی شدن دستگاه حکومتی و در نتیجه به تحکیم وابستگی به مراکز قدرت اقتصادی و مالی برتر افزود (ازغندی، ۱۳۹۴: ۳۷۴).

به درستی می‌توان گفت، مدتها قبل از شروع جنگ جهانی دوم تا کنون کلیه حوادث بزرگی که در ممالک نفت خیز خاورمیانه - مخصوصاً کشور ایران که موقعیت حساستری دارد - روی داده و می‌دهد و همچنین تمام انقلابات و تشنجات داخلی این کشورها، ارتقاء و سقوط شخصیت‌های سیاسی و وقایعی که منجر به تغییر رژیم‌ها و تحول این کشورها گشته و می‌گردد، همه و همه معلول وجود نفت در این سرزمین‌ها و رقابت‌های سیاسی است که بر سر به دست آوردن این ماده سیال، بین دولت‌های بزرگ جهان ظهور کرده است (میزراصلح، ۱۳۶۹: ۱۵). در ابتدا رقابت بین روس‌ها و انگلیسی‌ها بود. در این میان انگلیسی‌ها بسیار فعال‌تر از روس‌ها بودند، چراکه در سال ۱۹۰۱ م با اخذ امتیاز داری در عهد مظفرالدین‌شاه نه تنها نیمی از خاک ایران را جولانگاه حفاری‌های خود کردند، بلکه بعدها بنیان امپراتوری خود را بر شالوده نفت ایران و غارت منابع ملی مردم آن استوار نمودند. بهره‌کشی پنجاه ساله انگلیسی‌ها از نفت ایران هرچند بارها با اعتراض ایرانی‌ها مواجه شده بود، به دلیل ضعف حکومت و در بعضی مواقع دست‌نشانده بودن دولت‌ها این صداها به جایی نمی‌رسید (شوادران، ۱۳۵۴: ۵۷).

سوال اصلی این است که؛ نقش و نیت اصلی قوام السلطنه در واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی چه بود؟ در این مقاله سعی گردیده است تا ضمن توصیف وقایع و اتفاقات تاریخی آن دوران، با استفاده از منابع دست اول و خاطرات شخصیت‌های مهم آن زمان، به تحلیل هدف و دلیل اصلی واگذاری نفت شمال به شوروی توسط قوام، پرداخته شود. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و به صورت فیش برداری از کتاب‌های معتبر بوده است. هدف از این پژوهش تحلیل و بررسی چگونگی و چرایی واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی بود تا ابعاد گسترده‌تری از این امر روشن گردد.

اصولاً موضوع نفت شمال در گرو مساله انتقال نفت کشف‌شده احتمالی بود. برای انتقال نفت دو راه وجود داشت: یکی راه جنوب؛ یعنی گذشتن از ارتفاعات زاگرس و انتقال نفت از طریق لوله از یکی از بنادر خلیج فارس — که به دلیل انحصار شرکت نفت ایران و انگلیس بر این حوزه عملاً امکان‌پذیر نبود — و دیگری انتقال نفت به قفقاز و از آنجا به بندری دریای سیاه و سپس بازارهای اروپا. «بنابراین هرگاه موضوع پیدایش نفت مورد توجه قرار گرفته، عوامل طبیعی همان‌قدر در خور اهمیت تلقی شده که عوامل سیاسی.» (شوادران، ۱۳۵۴: ۵۷).

مسئله نفت شمال ایران و طرح آن از سوی روس‌ها، در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم و پس از آن، بیش از آنکه از دیدگاه اقتصادی مطرح باشد، از جنبه سیاسی و نیز در راستای رقابت شوروی با دولت انگلستان و نیز آمریکای تازه‌وارد قابل بررسی و ارزیابی است. به دیگر معنی اگر چه روس‌ها، به نفت شمال ایران به لحاظ اقتصادی نیاز جدی نداشتند، ولی سعی داشتند از آن به عنوان «تضمینی جهت توازن قوا» و نیز تضمین منطقه نفوذ خود در شمال ایران در مقابله با قدرتهای رقیب بهره‌برداری نمایند.

درباره مسئله نفت شمال آثاری به نگارش درآمده است و در آنها به نقش قوام در این مسائل به صورت مختصر پرداخته شده است، اما درباره نقش او در مسئله نفت تا کنون مقالات کمی نگاشته شده است. اگرچه تا کنون در همه کتاب‌هایی که درباره وقایع مشروطیت و رژیم پهلوی نوشته شده همواره به نام احمد قوام اشاره شده است ولی تا کنون به طور مجزا و کامل به نقش این شخصیت

در وقایع صورت گرفته از زمان او پرداخته نشده است به ویژه در مسئله نفت شمال که نظرات گاهی متضاد درباره این شخصیت نوشته شده است و به ابعاد مختلف زندگی او و ابعاد چهره سیاسی اش به صورت کلی پرداخته شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

غلامحسین میرزا صالح، انتشارات معین ۱۳۹۶، «خاطرات سیاسی قوام السلطنه»؛ در این کتاب به ذکر اتفاقات و حوادث دوران قوام از کودکی تا پایان عمر وی پرداخته شده و در بخشی از کتاب نیز به روابط ایران و شوروی و مساله نفت شمال اشاره شده و صرفاً توصیف گردیده ولیکن تحلیل این امر صورت نگرفته است. باقر عاقلی، انتشارات جاویدان ۱۳۷۷، «میرزا احمدخان قوام السلطنه در دوران قاجار و پهلوی»؛ در این کتاب نیز به همین صورت صرفاً به ذکر حوادث و اتفاقات آن دوران پرداخته شده ولی تحلیل انجام نگرفته است. کریم جعفری، نفت شمال، نشر زمانه ۱۳۸۶ شماره ۵۶؛ مطالعه رفتارهای دولت‌های وقت، از یک سو و شیوه‌های استعمارگران در تصاحب امتیازات متنوع، از سوی دیگر، عامل‌های کلیدی در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را آشکار می‌سازد. عظیم رفیع‌زاده، سیدعلیرضا ابطحی، سهیلا ترابی فارسانی، ۱۳۹۷، «تأثیر امتیاز نفت شمال در روابط ایران و شوروی»، مجله پژوهشنامه تاریخ؛ این نوشته به توصیف روابط ایران و شوروی در محدوده زمانی پس از جنگ جهانی دوم و تاثیر امتیاز نفت شمال بر کیفیت روابط این دو کشور پرداخته است. در نوشتار پیش رو، امتیاز نفت شمال و رفتار بازیگران ذینفع در آن بررسی شده است.

اهمیت نفت شمال برای شوروی

بر اساس آمار، در دهه ۱۹۸۰ مصرف نفت در کشور شوروی کمی بیش از پانزده درصد مصرف نفت در آمریکا بود، با وجودی که این کشور پهناور و صنعتی پنجاه میلیون بیشتر از آمریکا جمعیت داشت. روسیه شوروی نه تنها بایستی مصرف نفت خود را تأمین می‌کرد، بلکه عهده‌دار تأمین نفت دولت‌های هم پیمان خود مانند چین کمونیست، کره شمالی، تبت، قسمتی از هندوچین، بلغارستان، چک‌واسلواکی و غیره نیز بود و ناگزیر می‌بایست برای رساندن مواد نفتی از منابع نفت قفقاز به مقصد چین کمونیست یا کره شمالی و هندوچین مسافتی بیش از ده هزار کیلومتر با راه‌آهن و کامیون را در مدتی طولانی طی نماید. با توجه به این که در بعضی موارد مخارج حمل و نقل مواد نفتی از

ده برابر قیمت اصلی نفت تجاوز می‌کرد، بنابراین اگر دولت شوروی به قسمتی از منابع نفت خاورمیانه دست می‌یافت به آسانی می‌توانست از راه دریا در مدتی کوتاه و با مخارجی اندک کلیه مصرف مواد نفتی کشور چین، کره شمالی و هندوچین را تأمین کند (میزرا صالح، ۱۳۶۹: ۱۹).

اشغال ایران و حضور فعال شوروی در سیاست کشور، که اوج آن در کوشش به منظور کسب امتیاز نفت در دوره نخست‌وزیری ساعد در سال ۱۳۲۳ شمسی (۱۹۴۴ م.) با شکست رو به رو شده بود، کارگزاران سیاست مسکو را با واقعیتی تازه روبرو می‌ساخت. آنان پی می‌بردند که منابع طبیعی ایران، میدان مین‌گذاری شده‌ای است که گام نهادن به آن، بدون تدارکی جدی و همه‌جانبه، با صدماتی سهمگین و غیرقابل پیش‌بینی همراه خواهد بود. خودداری از فراخواندن نیروهای ارتش سرخ از ایران، تضمین موفقیت چنین تدارکی محسوب می‌شد. گزارشی که کافتارادزه، معاون کمیسار امور خارجه‌ی شوروی، در این زمینه در اختیار مولوتف وزیر خارجه شوروی قرار داد، حاکی از آگاهی به چنین واقعیتی بود: «فراخواندن نیروهای شوروی از ایران به نحو اجتناب‌ناپذیری به تقویت نیروهای ارتجاعی در کشور و شکست محتوم سازمان‌های دموکراتیک خواهد انجامید. نیروهای ارتجاعی و عوامل انگلستان همه کوشش خود را به کار خواهند گرفت تا از هر وسیله‌ای استفاده کرده و نفوذ و نتیجه‌ی کار ما را از میان ببرند. به همین دلیل ضروری است که تاریخ خروج نیروهای ما از ایران را به تعویق انداخته و از این راه تحقق هدف‌هایمان را تضمین کنیم (به ویژه هدف دستیابی به امتیاز نفت یا در بدترین وضعیت تشکیل شرکتی مختلط با کسب اکثریت سهام برای شوروی)» (شوکت، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

طراح اصلی مسئله‌ی کسب امتیاز نفت شمال، لاورنتی بریا، مرد قدرتمند دستگاه مخوف سرکوب استالینی بود. او که فعالیت امنیتی خود را زیر نظر باقروف در باکو آغاز کرده بود، در فاصله‌ای کوتاه به مقام معاون شورای کمیسارهای خلق ارتقا یافت. بریا در شهریور ۱۳۲۳ (اوت ۱۹۴۴) با ارائه‌ی گزارشی از مسئله‌ی نفت که در اختیار استالین و مولوتف قرار گرفت، با توجه به ذخائر نفتی جهان و سیاست نفتی آمریکا و انگلیس، تصویری دقیق از سیاست نفتی شوروی به دست داد. در این گزارش با اشاره به تضاد میان آمریکا و انگلیس بر سر مسئله‌ی نفت و مبارزه‌ای که در این زمینه

میان آنها در ایران جریان داشت، بر این نکته تأکید شده بود که هر دو آماده‌اند در مقابل شوروی بایستند. بریا با آگاهی بر این امر که آمریکا و انگلیس احتمالاً در صددند از کسب امتیاز نفت شمال توسط شوروی جلوگیری کنند، ضروری می‌دانست که کرملین در مذاکرات مربوط به این امر شرکت کند و «منافع شوروی را در عرصه بین‌المللی در زمینه نفت» تأمین سازد (شوکت، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

پیشینه امتیاز نفت شمال

اولین قرارداد نفت شمال در عهد قاجار در زمان ناصرالدین شاه صورت گرفت. ناصرالدین شاه در بهمن ماه ۱۲۷۴ ش با صدور فرمانی اجازه استخراج نفت در مناطقی از شمال ایران را به محمدولی خان تنکابنی وزیر خزانه واگذار کرد که به دلیل فقدان امکانات معطل ماند تا در ششم بهمن ۱۲۹۴ ش به خوشتاریای گرجی به مدت ۹۹ سال انتقال یافت (شاهدی، ۱۳۷۷: ۴۵؛ فاتح، ۱۳۳۵: ۳۴۰). بنابراین در تاریخ ۷ بهمن ۱۲۹۴ ش قرارداد میان خوشتاریا و محمدولی خان تنکابنی (خلعبری) منعقد گردید (موحد، ۱۳۴۹: ۵۶) که مواد آن به قرار زیر می‌باشد: ۱- امتیاز یاد شده به مدت ۹۹ سال در اختیار خوشتاریا قرار گرفت ۲- خوشتاریا تعهد کرد که عملیات اکتشاف را در مدت یک سال از تاریخ آخرین جنگ و صلح دولت روسیه با دول متخاصم به جای آورد ۳- پرداخت صد هزار منات ۴- اگر تا یک سال بعد از عقد صلح با دول متخاصم خوشتاریا عملیات استخراج را آغاز نکرد باید مبلغ فوق را بپردازد و تمام اختیارات خود را واگذارد ۵- بابت هر پوتی نفت یک کوپیک بپردازد ۶- خوشتاریا قرارداد را به هرکس که خواست خواهد فروخت به شرطی که منافع ایران در این قرارداد حفظ گردد ۷- تنکابنی حق داشتن یک ناظر را داشت که وی حق مداخله در امور داخلی اداره را نداشت (فاتح، ۱۳۳۵: ۳۲۶-۳۲۹).

واگذاری این امتیاز در داخل ایران با مخالفت‌هایی روبرو شد و انگلیس نیز که از وجود یک رقیب می‌ترسید به مخالفت با آن پرداخت. شرکت نفت انگلیس و ایران در ماه مه ۱۹۲۰ م با تاسیس شرکت‌های نفت شمال قصد خود را مبنی بر تصرف انحصاری تمام منابع نفتی ایران ابراز داشته بود. در این میان آمریکا، که به نفت شمال نظر داشت، با انحصارطلبی انگلیسی‌ها، که با سیاست‌های درهای باز مغایر بود، به شدت مخالفت کرد. (شوادران، ۱۳۵۴: ۱۸۷) در همین راستا در سال‌های

پایانی قاجاریه، حکومت برای جلوگیری از گسترش نفوذ انگلیس و کنترل تقاضای روس‌ها به دنبال وارد کردن یک «نیروی سوم» به طور مشخص آمریکا به ماجرای نفت بودند. فعالیت قوام در سال ۱۳۹۹ش یا ۱۹۲۰م برای عقد قرارداد با شرکت‌های آمریکایی به‌ویژه شرکت استاندارد - اوایل نیوجرسی آمریکا از شاخص‌ترین این تلاش‌هاست (زرگر، ۱۳۷۲: ۱۰۱).

در آن هنگام قوام با اعطای امتیاز نفت شمال ایران به کمپانی «استاندارد اوایل کمپانی» موافقت کرد و قانون مربوط به آن امتیاز را به مجلس برده از تصویب گذراند. ولی به علت این که کمپانی مزبور قسمتی از سهام خود را به کمپانی انگلیسی واگذار کرده بود، قرارداد مزبور لغو شد. علاوه بر این قوام السلطنه عده ای از مستشاران آمریکایی را نیز به ایران آورد (مهدی‌نیا، ۱۳۶۵: ۲). مهدوی معتقد است که رفتن روس‌ها از ایران با استناد به قرارداد ۱۹۲۱ و همچنین کاهش محبوبیت انگلیسی‌ها در ایران بهترین میدان عمل برای آمریکایی‌ها بود تا وارد گود نفتی ایران شوند. آمریکا درصدد یافتن منابع اضافی نفت، و ایران در جستجوی پول فوری و وزنه متعادل‌کننده در برابر انگلیس بود (مهدوی، ۱۳۷۷: ۲۰۷). قوام به امید دریافت مساعده و کمک از شرکت‌های آمریکایی بود که به جای امتیاز خوشناریا در ۱۳ آبان ۱۳۰۰ش/۲۲ نوامبر ۱۹۲۱م مجلس ایران قرارداد منعقدشده با استاندارد اوایل آف نیوجرسی را که از طرف دولت تقدیم شده بود، تصویب نمود. به موجب این قرارداد، امتیاز نفت پنج ولایت شمالی ایران به مدت پنجاه سال به استاندارد نیوجرسی واگذار شد و این شرکت متعهد بود که ۱۵ درصد عواید غیرخالص خود را به دولت ایران بپردازد (موحد، ۱۳۴۹: ۵۸). این امر باعث اعتراض شوروی گردید. روز ۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۰ قمری برابر دوم آذر ۱۳۰۰ شمسی دو فقره یادداشت اعتراض‌آمیز که یکی از آنها تقریباً لحن اولتیماتوم را نیز داشت از طرف سفارت دولت شوروی به وزارت خارجه ایران فرستاده شد که اولی راجع به واگذاری امتیاز نفت شمال به کمپانی استاندارد اوایل آمریکایی و یادداشت دوم راجع به تسریع تصویب مجلس شورای ملی ایران در معاهده دو دولت ایران و شوروی بوده است (بهار، ۱۳۵۷، ۱۹۶). متعاقب یادداشت‌های سفارت دولت شوروی یعنی روز ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۰ قمری دو نامه شدیدالحن هم راجع به اعطای امتیاز نفت شمال به کمپانی استاندارد اوایل از طرف سفارت انگلیس به وزارت خارجه ایران ارسال شد مبنی بر اینکه چون خوشناریا امتیاز خود را به کمپانی نفت جنوب که از

اتباع دولت انگلیس است فروخته، بنابراین دولت ایران حق ندارد که آن را به کمپانی امریکایی واگذار نماید. عصر همین روز رئیس الوزرا قوام السلطنه، نمایندگان مجلس را برای تشکیل جلسه خصوصی و علنی خبر کرده و تا پاسی از شب در اطراف یادداشت‌های اخیر دولت‌های روس و انگلیس مذاکره نموده بالاخره قرار بر این شد که دولت جواب یادداشت‌های دولت انگلیس را نیز هر طوری که صلاح می‌داند تهیه و ارسال دارد و چون مذاکرات طولانی شده بود جلسه علنی تشکیل نشد و این مذاکرات در آن جلسه مطرح نگردید (بهار، ۱۳۵۷: ۱۹۸).

پس از آنکه امتیاز نفت شمال در مجلس تصویب و مفاد آن به وسیله جراید منتشر گردید اغلب از ایالات و ولایات ایران به وسیله تلگراف این اقدام دولت و مجلس را تقدیس و ابراز احساسات نمودند و فرقه دموکرات ایران که از احزاب نیرومند و درجه اول آن روز به شمار می‌رفت اعلامیه ذیل را در تاریخ ۹ آذر ۱۳۰۰ شمسی در تهران منتشر ساخت: «دولت ایران و آقای قوام السلطنه رئیس الوزرا یک قدم رو به سعادت این مملکت برداشته و به اتفاق آراء نمایندگان مجلس شورای ملی دوره چهارم آن قدم را عملی دانسته و منافع آن را نسبت به این آب و خاک سنجیده و رأی اعتماد در این موضوع دادند.» (بهار، ۱۳۵۷: ۱۹۹).

یگانه راه نجات و چاره، ایجاد رقابت بین این کمپانی با سایر کمپانی‌ها بود و دولت می‌توانست به این وسیله از موانع خلاص شود و متاعش را یا به کمپانی استاندارد اویل یا به دیگری بفروشد و واگذار نماید. این بود که پس از سقوط کابینه مشیرالدوله، پیشنهادی به امضای ۴۲ نفر از نمایندگان راجع به تعدیل ماده اول اجازه‌نامه مجلس و برداشتن انحصار مذاکره با کمپانی استاندارد اویل تقدیم مجلس شد و به وسیله تصویب آن به دولت اجازه داده شد که با کمپانی استاندارد اویل یا کمپانی معتبر و مستقل دیگر امریکایی در خصوص واگذاری این امتیاز داخل مذاکره شود و هر چه زودتر این عمل را تصفیه نماید. به همین مناسبت قوام السلطنه با کمپانی دیگر امریکایی که گویا کمپانی سینکلر بود با شرایط و منافع بهتر و بیشتری وارد مذاکره شد و قرارداد آن را تهیه و به مجلس هم پیشنهاد نمود (بهار، ۱۳۵۷: ۲۱۹). او در صدد برآمد تا از شرکت سینکلر به عنوان رقیبی تازه استفاده کند. اوضاع نامساعد داخلی و عقب‌نشینی استاندارد، به کمپانی سینکلر فرصت داد تا نمایندگان خود

را برای مذاکره به تهران اعزام کند و پیشنهادهایی مطرح کرد. به دنبال پیشنهادهای سینکлер، استاندارد صریحاً اعلام کرد که تمام شرایط دولت و مجلس ایران رامی‌پذیرد (اسناد نفت شمال، ۱۳۷۷: ۱۰۰). البته پس از آن دوباره مخالفت‌هایی از طرف شوستر که واسطه و نماینده شرکت استاندارد اوایل بود، صورت گرفت. متعاقب مخالفت‌هایی که با سینکлер شد، این کمپانی نیز شرایط پیشنهادی خود را تا حدی جرح و تعدیل نمود. در پیشنهاد جدید، سینکлер متعهد شده بود که اگر سهام امتیاز را به کمپانی‌های غیرامریکایی یا غیرایرانی انتقال دهد، امتیاز باطل می‌شود (اسناد نفت شمال، ۱۳۷۷: ۱۰۹).

دولت با آن همه جدیتی که به انجام این عمل داشت به واسطه پیشنهادات کمپانی استاندارد اوایل دائر به مشارکت کمپانی نفت جنوب نمی‌توانست آن را قبول کند و از طرف دیگر چون در تصویب‌نامه مجلس شورای ملی مخصوصاً قید شده بود که در موضوع واگذاری نفت شمال فقط با کمپانی استاندارد اوایل داخل مذاکره بشود از این رو دست دولت در مذاکره با کمپانی‌های دیگر امریکایی کاملاً بسته شده بود و نمی‌توانست رسماً با کمپانی امریکایی دیگری ولو آنکه هر قدر هم شرایط و پیشنهاد آن مفید و مساعدتر باشد داخل مذاکره شود (بهار، ۱۳۵۷: ۲۱۸).

امتیاز نفت شمال در دوران پهلوی دوم

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و پایان یافتن استبداد رضاشاهی و نیاز غرب به نفت برای تأمین انرژی و ترمیم خرابی‌های جنگ و رونق بخشیدن به اقتصاد در هم ریخته‌ی پس از جنگ رقابت بر سر تصاحب حوزه‌های نفتی به جریان افتاد. در آبان ۱۳۲۲ و در کابینه علی سهیلی نمایندگانی از جانب شرکت انگلیسی «شل» و شرکت امریکایی «استاندراد و اکیبوم» به ایران آمدند و برای کسب امتیاز استخراج نفت، البته در محدوده‌ی خارج از حدود امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران، مشغول مذاکره شدند که با سقوط حکومت سهیلی مذاکرات در حکومت ساعد دنبال شد (نقی‌پور، ۱۳۸۰: ۴۹). در این زمان دولت شوروی نیز با اعزام هیئتی به ایران تقاضای امتیاز نفت شمال را نمود. همین مسأله سبب به وجود آمدن بحرانی در رابطه ایران و شوروی و همچنین تصمیم دولت ایران مبنی بر عدم اعطای هر گونه امتیاز نفتی تا پایان جنگ گردید (شوکت، ۱۳۸۵: ۱۹۴). همین که در بهمن ماه

۱۳۲۲ دو هیأت انگلیسی و آمریکایی از طرف کمپانی‌های نفتی سینکлер و استاندارد اوپیل امریکایی و رویال دچ شل هلندی - انگلیسی به ایران آمدند و تقاضای امتیاز نفت بلوچستان را نمودند، شوروی‌ها با استفاده از فرصت، و به بهانه اینکه دولت بریتانیا نفت جنوب ایران را در دست دارد و ناوگان جنگی آن کشور به رایگان از نفت مزبور استفاده می‌کنند و دولت شوروی هیچ سهمی در نفت ایران ندارد، در شهریور ماه ۱۳۲۲ سرگئی کافتارادزه معاون وزارت خارجه شوروی را در رأس هیأت مهمی به تهران اعزام کردند و بی درنگ تقاضای امتیاز نفت شمال ایران را نمودند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

ورود کافتارادزه به ایران و حمایت حزب توده از واگذاری نفت شمال

شوروی‌ها وقتی متوجه شدند که آمریکایی‌ها در صدد تحصیل امتیاز نفت جنوب شرقی ایران هستند، با توجه به این که انگلیسی‌ها هم از مدتها قبل بر منابع جنوب و جنوب غربی دست انداخته بودند، بر آن شدند که منابع نفت شمال ایران را تصاحب کنند. گرچه روس‌ها از دیرباز بنا به خصلت سیاست تجاوزکارانه خویش، به منابع نفت شمال ایران چشم طمع دوخته بودند، ولی این وضع فرصت مناسبی برای آنها به وجود آورد. از این روی بر پایه گزارش‌های دقیقی که از «ماکسیموف» سفیرکبیر خود روزانه از تهران دریافت می‌داشتند، تصمیم گرفتند برای تحصیل امتیاز نفت شمال نماینده عالی مقامی به تهران اعزام دارند و برای این منظور «کافتارادزه» معاون وقت وزارت خارجه اتحاد جماهیر شوروی را، در باطن برای تحصیل امتیاز نفت شمال و در ظاهر برای پیشنهاد تشکیل شرکت مختلط استخراج و بهره‌برداری منابع نفت شمال، به تهران اعزام داشتند (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۲۳). در ۱۵ شهریور ۱۳۲۳ آقای آهی سفیر ایران در مسکو طی تلگرافی به دولت ایران اعلام داشت که هیئتی از طرف دولت شوروی برای مذاکره راجع به نفت خوریان قصد دارند به ایران بیایند. دولت ساعد هم به سفیر خود اطلاع داد و از ملاقات و مذاکره‌ی حضوری آنها اظهار مسرت کرد و در تاریخ ۱۳۲۳/۶/۲۴ هیئتی به ریاست «کافتارادزه» معاون کمیساریای خارجه شوروی به تهران آمد (نقی‌پور، ۱۳۸۰: ۵۱). کافتارادزه به محض ورود به ایران فعالیت سیاسی و دید و بازدیدهای خود را شروع کرد و با کمک و راهنمایی‌های «علی‌اف» کارمند عالی‌رتبه سفارت شوروی که اهل قفقاز

و مسلمان بود و فارسی را به خوبی تکلم می‌کرد، فعالیت عمیق و دامنه‌دار خود را آغاز نمود (میزر صالح، ۱۳۶۹: ۲۶). کافتارادزه، که مردی سخت‌گیر و تند برای صیانت از منافع شوروی در ایران بود، پس از بررسی مناطق شمالی کشور، از دولت ایران درخواست کرد که امتیاز استخراج نفت برخی از استان‌های شمالی را به شوروی واگذار نماید (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۴). کافتارادزه در شهریور ۱۳۲۳ و در راس هیئتی از کارشناسان نفتی آن کشور وارد تهران شد و در ملاقات با شاه ضمن گله و شکایت از ساعد و کابینه او که نسبت به درخواست شوروی برای تحصیل امتیاز نفت استان‌های شمالی توجه لازم را مبذول نداشته است، نارضایتی دولت متبوع خود را از روابط ایران و شوروی به شاه خاطر نشان کرد. ساعد در جلسه مجلس شورای ملی اعلام کرد که هیئت دولت تصمیم گرفته که موضوع امتیاز نفت تا خاتمه جنگ و معلوم شدن اوضاع اقتصادی جهان مسکوت بماند. جواب رد و صریح دولت ساعد به پیشنهاد دولت شوروی سبب گردید که کافتارادزه عکس‌العمل نشان داده و شرایط قرارداد را به اطلاع عموم و مطبوعات برساند برای این کار از حزب توده کمک گرفت. حزب توده که در آغاز با واگذاری هرگونه امتیاز به دولت‌های خارجی به طور کلی مخالف بود، به محض درخواست شوروی برای دریافت امتیاز نفت شمال، مخالفت خود را پس گرفت و ادعا کرد که با اصل اعطای امتیازات نمی‌توان مخالفت کرد بلکه صحبت در چگونگی و شرایط اعطای آن است (جامی، ۱۳۶۲: ۲۱۶). حمایت حزب توده از واگذاری امتیازات نفتی به شوروی و برخی مطبوعات و نمایندگان مجلس باعث شد که کافتارادزه در دیدار با شاه هشدار داد که آینده روابط اقتصادی ایران و شوروی بستگی به پاسخ دولت ایران به درخواست امتیاز نفت شوروی دارد. به دنبال رد پیشنهادات شوروی از سوی دولت ساعد و کلاهی توده‌ای مجلس خواستار سیاست موازنه مثبت شدند. بر اساس آن، چون انگلیسی‌ها امتیاز نفت جنوب را در اختیار داشتند دولت می‌بایست امتیاز نفت شمال را هم به دولت شوروی بدهد تا موازنه برقرار شود سیاست موازنه‌ای پیشنهادی حزب توده و طرفداران واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی نهایتاً به سیاست موازنه منفی دکتر مصدق انجامید (ذوقی، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

پس از ورود کافتارادزه به تهران سیاست‌های انگلیس و امریکا که تا آن موقع در امور نفت با یکدیگر رقابت می‌ورزیدند، به هم نزدیک شدند و برای بیرون راندن رقیب تازه‌وارد از صحنه سیاست ایران و ممانعت از دست‌اندازی روس‌ها بر منابع نفت شمال، هر یک جداگانه، ولی با هدف مشابه، شروع به فعالیت کردند. انگلستان در بین طبقات بالای اجتماعی ایران خصوصاً در مجلس شورای ملی و کابینه، دوستان و عوامل زیادی داشت که در این موقع به هماهنگ کردن و تقویت آنها پرداخت (میرزا صالح، ۱۳۹۶: ۷۹). از این پس با توجه به تاکتیک انگلیس، آمریکایی‌ها نیز به عنوان عامل فشاری در قبال شوروی از طرف آن کشور و دولت تحت سلطه‌اش مورد استفاده قرار گرفتند. یادداشت‌های مکرر جیمز برنز وزیر خارجه امریکا و اولتیماتوم ترومن به استالین در اول فروردین ۱۳۲۵ موجب شد که شوروی‌ها که وعده دریافت امتیاز نفت شمال را از دولت قوام دریافت کرده و از آنجا که در آن هنگام فاقد بمب اتمی بودند در مقابل تطمیع و تهدید کوتاه بیایند و در ۵ فروردین ۱۳۲۵ اعلام کنند که حاضرند در ظرف شش هفته قوای خود را از ایران خارج سازند. مقاله‌نامه قوام - سادچیکف در ۱۵ فروردین که ضمن آن وعده تخلیه قوای شوروی در ایران ظرف شش هفته و حل مسالمت آمیز مسأله آذربایجان و تشکیل شرکت مختلف نفت ایران و شوروی پیش بینی شده بود در همین راستا بود (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

در مجلس نیز، طرفداران سیاست انگلستان که در رأس ایشان دکتر ظاهری قرار داشت، برای قطع امید شوروی‌ها از نفت ایران و شکست کمیسیون سیاسی و نفتی کافتارادزه به فعالیت پرداختند. سرانجام برای خنثی کردن تدابیر سیاسی و اقتصادی دولت شوروی و یافتن راه قانونی رد تقاضای آن دولت، طرحی مبنی بر رد تقاضای روس‌ها تهیه گردید، ولی چون هیچکدام دارای وجهه ملی و آبرومندی در مجلس نبودند، تصمیم گرفتند حتی الامکان طرح مزبور را به وسیله دکتر مصدق که بین مردم محبوبیت و مقبولیت عامه داشت به مجلس تقدیم دارند. این نقشه نیز عملی شد و طرح، غیرمستقیم به دست آقای دکتر مصدق رسید و به مجلس احاله گردید. (میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۲۷). یک بار دیگر عمال انگلیس برای پیشرفت مقاصد خود از وجود رجال خوشنام ایران بهره گرفتند و دکتر مصدق را که به نقشه نهایی انگلیسی‌ها در این مورد واقف نبود به مقابله روس‌ها فرستادند.

یقیناً اگر دکتر مصدق پی می‌برد این طرح را چه سیاستی تهیه کرده است، در مطرح کردن آن در مجلس تعجیل نمی‌کرد و به تسهیل اجرای مقاصد دیگران تن در نمی‌داد. ضمناً برای آماده کردن مجلس، ضرورت داشت نخست‌وزیر درباره نفت و ورود کافتارادزه به ایران گزارشی به مجلس بدهد تا زمینه برای قبول طرح و اجرای نقشه زیرکانه اینان آماده باشد (میرزاصالح، ۱۳۹۶: ۸۴).

نخست‌وزیری قوام و سفر به مسکو

پس از استعفای حکیمی در بهمن ماه ۱۳۲۴ در جلسه ششم بهمن ماه، مجلس شورای ملی نسبت به نخست‌وزیر آینده اخذ رأی به عمل آورد. احمد قوام ۵۲ رأی و پیرنیا ۵۱ رأی داشت. احمد قوام به نخست‌وزیری برگزیده شد و دولت خود را در ۲۸ بهمن به مجلس معرفی کرد. و روز بعد همراه یک هیأت رهسپار شوروی شد (متینی، ۱۳۸۸: ۱۷۶). مسکو با توجه به سیاست‌های تاکتیکی پیش گفته انگلیس، انتظار داشت قوام در برابر تقاضاهایش از خود انعطاف نشان بدهد. قوام نیز نقش خود را به خوبی ایفا کرد و در ملاقاتی با مولوتف ضمن تأکید بر استقلال و تمامیت ارضی کشور، مشکل قانونی دادن امتیاز نفت را به عنوان بهانه‌ای در قبال فشار شوروی مطرح کرد تا به این وسیله روس‌ها را نسبت به خود ناامید نکند. قوام در ملاقات مزبور اظهار داشت: «مجلس ایران هرگز یک حکومت خودمختار را در آذربایجان نخواهد پذیرفت. در مورد امتیاز نفت شمال نیز قانون ۱۱ آذر را عنوان کرد که هرگونه مذاکره را ممنوع می‌ساخت» (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

مذاکرات بسیار سخت و پیچیده بود. قوام در خاطرات خود می‌نویسد: «عصر روز دوم اسفند ۱۳۲۴ بنا به دعوتی که از جانب استالین به عمل آمده بود به تنهایی به ملاقات ژنرال‌یسم استالین به کاخ کرملین رفتم، ولی این ملاقات اثر بسیار نامطلوبی در من بر جای گذاشت و شاید اعتمادم را در صداقت و صمیمیت روس‌ها نسبت به ایران متزلزل یافتم. من با نیتی پاک و ضمیری روشن برای حل و فصل قضیه ایران به مسکو رفته بودم و انتظار داشتم در ملاقات‌هایی که با سران شوروی دست می‌دهد، آنها با نخست‌وزیری چون من که در روابط بین‌المللی استقلال دارد و از سیاست خاصی متابعت نمی‌کند، با روشی دوستانه و مساعد وارد بحث و مذاکره شوند. لیکن استالین در نخستین ملاقات امرانه و تحکم‌آمیز سخن گفت و این کاملاً مخالف انتظار و توقع من بود، خاصه

این که هرگز حاضر نمی‌شدم با رئیس دولت کشوری دیگر، هر چقدر هم که بزرگ و مقتدر باشد، جز با رعایت احترام متقابل مجالست و گفتگو کنم. در همان جلسه اول استالین علاوه بر آن، با صراحت تمام اعطای امتیاز نفت شمال را به مدت پنجاه سال خواستار شد» (میرزاصالح، ۱۳۹۶: ۱۸۲). ولی پس از مشورت با مولوتف، در جلسات بعد کلام استالین تغییر یافت و در مقابل قوام السلطنه به ملایمت گرایید. استالین این بار به جای مطالبه امتیاز نفت شمال، موضوع تشکیل شرکت مختلط ایران و شوروی را در استخراج نفت شمال پیش کشید (میرزاصالح، ۱۳۹۶: ۱۸۴).

کیفیت مذاکرات قوام با شوروی

نحوه‌ی تجلیل از قوام و اقامت او در محلی که پیش از آن چرچیل، دوگل و بُش، رئیس‌جمهور چکسلواکی، در آن اقامت داشتند، نشانه‌ی توجه به اهمیتی بود که مقامات شوروی برای قوام و نتایج سفر او قایل بودند. او پس از مذاکره‌ای کوتاه با مولوتف پیرامون مسایل مورد علاقه‌ی دو کشور، در کاخ کرملین با استالین به گفتگو و مذاکره پرداخت (شوکت، ۱۳۸۵: ۱۹۶). قوام السلطنه در دیدار با استالین یک تعارف دیپلماسی می‌کند. بعد اضافه می‌کند «من برای مباحثه حقوقی و استناد به معاهدات که هر یک به جای خود هست نیامده‌ام بلکه با یک نیت صادقانه و دوستانه آمدم که از شما خواهش کنم مقدمه و شرط اصلی مشروع و روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی است با یک اراده فراهم کنید و در باب اصلاح مسئله آذربایجان که با این وضع خلاف قوانین و حق حاکمیت ایران است کمک معنوی ابراز دارید» (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۷۶). استالین در پاسخ قوام السلطنه دو پیشنهاد قوام را رد کرده، اظهار کرد آنچه موضوع تخلیه ایران است عجلتاً نمی‌توانیم انجام دهیم زیرا به موجب ماده ششم معاهده ۱۹۲۱ حق داریم قوایی را در ایران نگاه داریم او در خصوص مسئله‌ی آذربایجان به ویژه اضافه کرد که دولت آمادگی خود را برای انجام اصلاحات و دادن امتیازاتی که مغایر با قوانین کشور نباشد اعلام می‌دارد. استالین موضوع آذربایجان را مسئله‌ی داخلی ایران خواند و همزمان اعلام کرد مقوله‌ی خودمختاری آذربایجان مغایر با استقلال ایران نیست. او در مقابل، مسئله‌ی امتیاز نفت شمال را پیش کشید که با استناد قوام به ماده‌ای که بنا بر

مصوبه‌ی مجلس شورای ملی در آذرماه ۱۳۲۳، عقد هر قراردادی در این زمینه را بدون تصویب مجلس ممنوع می‌ساخت، از دستور مذاکرات خارج شد (شوکت، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

اولین ملاقات قوام و استالین به تلخی پایان گرفت و پس از خداحافظی سردی از یکدیگر جدا شدند. روز شنبه چهارم اسفند قوام و اعضای هیئت مجدداً با مولوتف ملاقات و مذاکره کردند. مولوتف در حالی که نقشه ایران را به دیوار نصب کرده بود با اشاره به نقشه ایران صحبت از نفت به میان آورد و سیاست ایران را سیاست یک جانبه و تبعیض آمیز نامید (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۷۸). قوام در پاسخ به مولوتف اظهار کرد که امتیاز نفت جنوب در ۱۹۰۱ یعنی قبل از مشروطیت ایران داده شده و دولت مشروطه ایران مشمول آن نیست و آن وقت هم با شرایط آن زمان سیاست تبعیض نسبت به دولت روسیه در کار نبوده و اکنون نیز این موضوع به طور مسلم مبتنی بر سیاست تبعیض نمی‌تواند باشد و در باب امتیازی که حالا صحبتش می‌شود، البته من به موجب قانون اساسی و قانونی که اخیراً در ضمن مذاکره مربوط به امتیاز نفت از مجلس شورای ملی گذشته است نمی‌توانم وارد مذاکره شوم (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۷۹).

پس از توضیحات قوام و بعضی از اعضای هیئت، مولوتف یادداشتی که به زبان روسی نوشته شده بود تسلیم قوام السلطنه کرد. مفاد آن به این شرح بود: «به واسطه مشکلاتی که موجود است فعلاً نمی‌توانیم امر تخلیه را در تمام ایران عملی نمائیم ولی بعضی نقاط تخلیه خواهد شد... در باب نفت هم دولت شوروی حاضر است از درخواست امتیاز صرف‌نظر کند و یک شرکت ایران و شوروی به نسبت پنجاه و یک سهم شوروی و چهل و نه سهم ایران تأسیس گردد» (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۷۹). سه روز بعد از تسلیم این یادداشت، دولت شوروی متن جدیدی به هیئت نمایندگی ایران داد که چون طرف ایرانی پیشنهادهای شوروی را قبول نکرده است، دولت شوروی پیشنهاد خود را در باب شرکت نفت پس می‌گیرد و امتیاز نفت شمال ایران را می‌خواهد. قوام در جواب، پاسخ داد که موضوع شرکت نفت از طرف هیئت رد نشده است منتهی چون به موجب قوانین ایران باید این قبیل شرکت‌ها به تصویب مجلس شورای ملی برسد در صورتی که دولت شوروی قوای خود را از ایران

فوراً خارج کند این عمل فرصتی خواهد بخشید که مقدمات مذکور در این امر در تهران فراهم گردد تا با توافق طرفین در شرایط شرکت مزبور مقوله نامه برای تقدیم به مجلس تهیه شود.

قرار بر این شد که از دوم مارس تخلیه نیروهای شوروی از آذربایجان شروع شود. قوام در این انتظار بود که دولت شوروی فرمان تخلیه کامل ایران را صادر کند ولی شوروی به جای اجرای پیمان سه جانبه، فرمان تخلیه ناقص بعضی از ولایات ایران را داد. در این موقع قوام تصمیم گرفت به سبب برخورد خشن شوروی‌ها به حالت قهر از مسکو خارج شود و این تصمیم را به اطلاع مولوتف کمیسر خارجه رسانید (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۸۰). وقتی قوام السلطنه قهر سیاسی خود را ابراز کرد زعمای کاخ کرملین نگران شدند و فوراً استالین برای قوام پیغام فرستاد که مسافرت خود را به تأخیر اندازد چون در نظر است ضیافتی به افتخار هیئت نمایندگی ایران از طرف استالین داده شود. قوام از نظر حفظ نزاکت دیپلماسی این دعوت را پذیرفت و به اتفاق هیئت نمایندگی ایران در میهمانی باشکوه استالین شرکت کرد و در همین ضیافت بود که استالین برای بار اول دست سادچیکف را توی دست قوام گذاشت و او را به عنوان سفیر فوق العاده و مختار شوروی در ایران معرفی کرد (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۸۰). قوام قبل از ترک خاک شوروی نامه محرمانه‌ای برای استالین فرستاد. و در آن خواستار حل مسالمت آمیز مسئله شد. نامه محرمانه قوام به استالین بسیار مؤثر واقع شد و آن ژست مخالفت آمیز او تبدیل به رأفت و مهربانی گردید و ضیافت معروف او برحسب دلجویی از قوام و هیئت همراه وی بود (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۸۵).

در این میان، نزدیکی ایران و شوروی به مذاق غرب خوش نیامد. در آخرین روز سفر رسمی هیئت نمایندگی ایران به مسکو و ملاقات قوام با استالین، چرچیل طی سخنرانی مشهور خود با به کار بردن عبارت «پرده‌ی آهنین» که تجسم آشکار سیطره‌ی شوروی بر اروپای شرقی به شمار می‌آمد، رویارویی با خطر کمونیسم را در حکم وجه غالب سیاست غرب به جهانیان اعلام کرد. اندکی پیش از آن، استالین از آشتی ناپذیری سرمایه داری و کمونیسم و ضرورت احتمالی جنگی دیگر سخن گفته بود. همه‌ی شواهد نشان از آن داشت که جنگ سردی که بر سر آذربایجان آغاز شده و صلح جهانی را در فاصله‌ای اندک پس از سقوط آلمان نازی دستخوش مخاطره ساخته بود، به واقعیتی غیرقابل

انکار بدل شده است (Rossow, 1946: 20). گام بعدی قوام برای جلب اعتماد و اطمینان روس‌ها که به نحوی منافع دولت او را نیز تأمین می‌کرد، انتخاب سه وزیر عضو حزب توده در کابینه‌اش بود. کشاورز، یزدی و ایرج اسکندری در رأس وزارتخانه‌های بازرگانی، بهداری و آموزش و پرورش قرار گرفتند. واگذاری پست‌های حساس سه وزارتخانه به اعضای حزب توده، اوج پیروزی این حزب بود. از این زمان اداره‌ی شهرهای صنعتی آبادان، اهواز، اصفهان، ساری، رشت و انزلی عملاً در دست توده‌ای‌ها قرار گرفت. متحدان حزب توده، اعم از فرقه‌ی دموکرات کردستان و آذربایجان، موقعیت خود را در غرب و شمال غربی ایران مستحکم‌تر کردند و اتحادیه‌های دهقانی حزب به ویژه در روستاهای نزدیک شهرهای بزرگ به پیشرفت‌های بسیاری دست یافتند.

موافقت نامه قوام - سادچیکف

سحرگاه ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ (۴ آوریل ۱۹۴۶) در پی مذاکراتی طولانی، موافقتنامه‌ای سه ماده‌ای میان ایران و شوروی پیرامون خروج نیروهای ارتش سرخ، نفت و مسئله‌ی آذربایجان در تهران به امضا رسید (حسنلی، ۱۳۸۳: ۱۳۸). دو روز بعد از صدور اعلامیه دولت بین دولت ایران به نمایندگی قوام نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه و دولت اتحاد جماهیر شوروی به نمایندگی سادچیکف سفیر آن دولت قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی امضا شد که اینک متن آن را در ذیل نقل می‌نمایم.

«دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران موافقت می‌نماید که دولتین ایران و شوروی شرکت مختلط ایران و شوروی برای تجسّسات و بهره‌برداری اراضی نفت خیز در شمال ایران با شرایط اساسی ذیل ایجاد نماید:

- ۱- در مدت بیست و پنج سال اول عملیات شرکت، چهل و نه درصد سهام به طرف ایران و پنجاه و یک درصد سهام به طرف شوروی متعلق خواهد بود.
- ۲- منافعی که به شرکت عاید گردد به تناسب مقدار سهام هر یک از طرفین تقسیم خواهد شد.

- ۳- حدود اراضی اولی که برای تجسّسات اختصاص داده می‌شود همان است که در نقشه‌ای که جنابعالی در ضمن مذاکرات در روز ۲۴ مارس به اینجانب واگذار فرموده‌اید.
- ۴- سرمایه طرف ایران عبارت خواهد بود از اراضی نفت خیز مذکور در ماده ۳ که پس از عملیات فنی دارای چاه‌های نفت و محصول آن قابل استفاده شرکت خواهد گردید و سرمایه طرف شوروی عبارت خواهد بود از هر قبیل مخارج و آلات و ادوات و حقوق متخصصین و کارگران که برای استخراج نفت و تصفیه آن مورد احتیاج خواهد بود.
- ۵- مدت عملیات شرکت پنجاه سال است.
- ۶- پس از انقضای مدت عملیات شرکت، دولت ایران حق خواهد داشت سهام شرکت متعلق به طرف شوروی را خریداری نماید و یا مدت شرکت را تمدید کند.
- ۷- حفاظت اراضی مورد تجسّسات و چاه‌های نفت و کلیه تأسیسات شرکت منحصرأً به وسیله قوای تأمینیه ایران خواهد بود» (عاقلی، ۱۳۷۷: ۴۰۰).

مجلس پانزدهم و رد امتیاز نفت شمال

انتخابات دوره پانزدهم انجام شد و از ۱۳۶ کرسی مجلس، حزب دموکرات ایران ۷۳ کرسی را به دست آورد. این حزب توسط خود قوام در تاریخ ۹ تیر ۱۳۲۴ تاسیس شد و این ۷۳ نفر پیش از انتخابات علاوه بر عضویت در حزب دموکرات ایران، سوگندنامه و تعهد وفاداری به احمد قوام و حزب دموکرات ایران را نیز امضا کرده بودند (متینی، ۱۳۸۸، ۱۷۹). در تاسیس این حزب، قوام هدف خود را تشکیل حزب، وحدت طبقات مختلف به‌ویژه آزادیخواهان و رشد دموکراسی اعلام کرده بود. حزب دموکرات دارای برنامه گسترده و آیین‌نامه‌ای در چهارده ماده و مرامنامه‌ای تفصیلی در یازده ماده بود. در مرامنامه حزب، تساوی حقوق زن و مرد و حق شرکت زنان در انتخابات، ریشه‌کن کردن بیکاری، ساختن درمانگاه و مدارس، و طرح آبیاری روستاها آمده بود. قوام با تشکیل حزب، پایگاه خود را در رأس دولت مستحکم‌تر کرد. قوام موافقت‌نامه‌ی نفت معروف به «قوام - سادچیکف» را با ماده واحده‌ای برای اظهارنظر به مجلس برد. وی در مجلس از خدمات خود در حل مشکل آذربایجان و رفع ناامنی کشور در ماه‌های پیش سخن گفت و افزود: «من ناچار بودم

برای تخلیه ایران و رهایی آذربایجان و جلوگیری از کشتارها اقدام‌هایی کنم و خود را در آن اقدامات کاملاً مصاب می‌دانم». مجلس شورای ملی پس از استماع گزارش تفصیلی قوام، به اشاره او و با اکثریت قریب به اتفاق مقابله نامه را کان لم یکن شناخت و دولت را مکلف نمود که رأساً در استخراج و بهره‌برداری از نفت شمال و فروش آن اقدام کند. ضمناً دولت را مکلف ساخت برای استیفای حقوق ایران از نفت جنوب نیز اقدام نماید تا خود را مستقل از انگلیس و پیرو سیاست موازنه منفی و علاقمند به استیفای حقوق ملت نشان دهند. به هر حال دولت ایران قانون مصوب مجلس را به اطلاع شوروی‌ها رساند که موجبات خشم و ناراحتی بی اندازه آنان را فراهم کرد و دولت ایران را به «عهدشکنی» متهم کردند. ضمناً برای حفظ ظاهر و نشان دادن استقلال، خصوصاً شوروی‌ها، طی نامه‌ای به شرکت نفت جنوب خواستار شروع مذاکرات برای احقاق حقوق ایران گردید. در این مرحله، دیگر مأموریت دولت قوام با موفقیت خاتمه یافت (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

نتیجه‌گیری

همانطور که در سؤال اصلی ذکر شد، در این نوشته به دنبال یافتن هدف اصلی قوام از واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی بوده‌ایم. اگر به صورت کلی به ماجرا نگاه کنیم متوجه می‌شویم که قوام از سیاست‌های دیپلماتیک برای حل مسئله آذربایجان و تخلیه قوای شوروی از ایران استفاده کرده و در دنیای سیاست ممکن است تا گاهی امتیازاتی هرچند صوری به طرف مقابل داده شود. یکی از مسائلی که در این باب می‌توان تحلیل کرد، سفر قوام به مسکو و چگونگی روند مذاکرات بود. قوام برای جلوگیری از تجزیه آذربایجان و گفتگو درباره‌ی نفت، بی‌اعتنا به قانون (تحریم مذاکرات نفت) به مسکو رفت و بعد در تهران مقابله‌نامه‌ای با سادچیکف سفیر شوروی امضا کرد. پس از آن برای جلب اعتماد روس‌ها، سه وزارتخانه مهم را از اعضای حزب توده انتخاب کرد. ولی زمانی که زمزمه‌های کودتای آمریکایی برای برکناری قوام بر سر زبان‌ها افتاد حمایت از حزب توده را کنار گذاشت و اعلام استعفا کرد. موقعی که برای بار دوم مامور تشکیل کابینه شد این بار از اعضای حزب توده در میان وزرای قوام السلطنه خبری نبود. حزب دموکرات ایران را برای رقابت با حزب توده و حزب دموکرات آذربایجان تشکیل داد. بروز برخی حوادث بین‌المللی و التیماتوم

ترومن و البته شم سیاسی و دیپلماتیکی قوام باعث گردید تا وی توانست با فردی مانند استالین توافق کند. ناامیدی قوام نسبت به روند مذاکرات و قهر سیاسی او و همچنین تهدید به استعفا، همواره حربه‌هایی بود که او از آنها فقط استفاده ابزاری می‌کرد. چرا که او هیچگاه میل به استعفا از مقام خود نداشت تا جایی که حتی پس از تشکیل مجلس پانزدهم و رد موافقت نامه قوام - سادچیکف و موقعی که قوام طرفداران خود را در مجلس از دست داده بود، بنا به درخواست احمد آرامش، دوست و همکار صمیمی‌اش پیشنهاد استعفا را قبول نکرد، با وجود اینکه احتمال زیادی داشت که مجلس وی را استیضاح کند که همین اتفاق هم افتاد.

از بعد دیگر نیز می‌توان نیت اصلی قوام از واگذاری نفت شمال به شوروی را در جهت تضعیف غرب و ایجاد تعادل در دادن امتیازات نفت، تحلیل کرد. آمدن هیئت مذاکره کننده‌ی شوروی برای گرفتن امتیاز استخراج نفت شمال موجب عقب‌نشینی دو رقیب دیگر، یعنی آمریکا و انگلیس شد و طرفداران داخلی آنها شکست خوردند و این یک پیروزی برای ملت ایران بود، برخی‌ها معتقدند که این یک ترفتنند جالب سیاسی از جانب دولت شوروی بود تا دست کشورهای غربی را از ثروت ملی ایران کوتاه کنند. زیرا با خاطره بسیار خوبی که مردم ایران از شوروی در لغو امتیازات استعمارگرانه و توسعه‌طلبانه‌ی دوران تزاری داشتند این تصور دور از ذهن نبود اما پیامدهای آن خیلی زود عکس آن را ثابت کرد و نشان داد دولت شوروی هم به رقابت با امپریالیست‌های انگلیسی و امریکایی برای شرکت در غارت ثروت ملی ایران پا به میدان گذاشته است و برای آن گروه از سیاستمداران مایه تأسف شد.

از سوی دیگر، برخی محققان معتقدند استالین استراتژی خود پیرامون فراخواندن نیروهای ارتش سرخ از ایران را در مقابل دستیابی به نفت شمال یا کسب خودمختاری آذربایجان، پیش از تحولات شورای امنیت یا موضع آمریکا اتخاذ کرد. آن چه در نهایت بر شتاب مسکو پیرامون دستیابی به قراردادی با ایران می‌افزود، نگرانی از آن بود که قوام با جلب حمایت آمریکا، موضوع مذاکرات دوجانبه میان ایران و شوروی را به شورای امنیت بکشاند و به کشمکش که جریان داشت ابعادی جهانی بخشد. قوام با آگاهی از دشواری‌هایی که مسکو با آن رو به رو بود، طی گفتگویی پیرامون

تحولات آتی، خطاب به سفیر آمریکا عنوان می‌کند اگر شوروی بتواند به هدف‌هایش یعنی نفت و آذربایجان، دست یابد چنین خواهد کرد. اما اگر مجبور باشد بین این دو یکی را انتخاب کند، اطمینان دارم که آذربایجان را قربانی خواهد ساخت.

منابع:

اسناد:

۱. اسنادی از امتیاز نفت شمال ۱۳۰۰-۱۳۰۳، مرکز آرشیو، اسناد و موزه رئیس جمهور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، سند شماره ۱۰۰
۲. اسنادی از امتیاز نفت شمال ۱۳۰۰-۱۳۰۳، مرکز آرشیو، اسناد و موزه رئیس جمهور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، سند شماره ۱۰۹

کتاب:

۳. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، تهران، نشر مرکزی
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۹۷)، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران*، چاپ ۱۱، تهران، انتشارات سمت
۵. بهار، ملک الشعراء (۱۳۵۷)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، تهران، نشر امیرکبیر
۶. حسنی، جمیل (۱۳۸۳)، *فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه‌ی آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی*، ترجمه منصور همایی، تهران، نشر نی

۷. جامی، ن، (۱۳۶۲)، *گذشته چراغ راه آینده است*، انتشارات ققنوس، چاپ دوم
۸. زرگر، علی اصغر (۱۳۷۲)، *تاریخ روابط ایران و انگلیس از دوره رضاشاه*، تهران، نشر پروین و معینی
۹. ذوقی، ایرج، (۱۳۷۲)، *ایران و قدرت های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران، نشر پاژنگ
۱۰. شوادران، بنجامین (۱۳۵۴)، *نفت، خاورمیانه و قدرت های بزرگ*، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، چاپ دوم
۱۱. شوکت، حمید (۱۳۸۵)، *در تیررس حادثه، زندگی سیاسی قوام السلطنه*، تهران، نشر اختران
۱۲. عاقلی، باقر، (۱۳۷۷)، *میرزا احمد خان قوام السلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی*، تهران، انتشارات جاویدان
۱۳. فاتح، مصطفی (۱۳۳۵)، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران، شرکت سهامی چهره
۱۴. متینی، جلال (۱۳۸۸)، *نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر مصدق*، تهران، نشر شرکت کتاب
۱۵. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۶)، *مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی*، تهران، نشر دادگستر

۱۶. موحد، محمدعلی، (۱۳۴۹)، *نفت ما و مسایل حقوقی آن*، تهران، انتشارات خوارزمی

۱۷. مهدی نیا، جعفر، (۱۳۶۵)، *زندگی سیاسی قوام السلطنه*، تهران، انتشارات پاسارگاد

۱۸. میرزا صالح، غلامحسین، (۱۳۹۶)، *خاطرات سیاسی قوام السلطنه*، تهران، چاپ سوم، انتشارات معین

۱۹. میرزا صالح، غلامحسین، (۱۳۶۹)، *خاطرات سیاسی احمد آرامش*، تهران، چاپ اول، نشر جی

۲۰. نقی پور، علی اکبر (۱۳۸۰)، *تاجی بر تارک تاریخ معاصر*، تهران، انتشارات ایران مهر